

فرزند کمال  
ماهنامه  
پارسا

شماره پنجم و، هفتم  
خرداد ۱۴۰۲

فرزندان کج

فرزندان

## فهرست مطالب :

- ۴ ..... در جستجوی استاد
- ۷ ..... آگاهی انسانی (بخش سوم)
- ۱۰ ..... کبدچرب (بخش دوم)
- ۱۲ ..... آشنایی با دوره‌های حیات انسان (بخش دوم)
- ۱۴ ..... غیرارگانیک‌ها (بخش دوم)
- ۱۹ ..... رهایی از قرص اعتیادآور (تجربه‌ی شیدا)

شماره پهل و، هفتم  
خرداد ۱۴۰۲



# در جستجوی استاد



از عادت‌های انسان، یافتن انسان دیگری است که او را تعلیم دهد. او خلق کننده‌ی تجسمی از باورهایی است که در نهایت چون برده‌ای می‌ماند که زنجیر عقاید دیگران را با دستان خود به گردنش می‌اندازد، اما چرا؟ چون او گنج‌های درونش را نمی‌بیند، بنابراین اجازه می‌دهد دزدان، گنج‌های او را ببرایند. از پیش‌قراولان افشای این دزدی معنوی بایزید بسطامی و شمس تبریز هستند.

شمس هیچ استادی نداشت، اما به درجه‌ی ماهانتایی نائل شد. بایزید بسطامی به نزد ۱۳۱ استاد رفت، اما تمامی آنها را ترک کرد و به تنهایی سفیر روح و استاد اک شد.



تصور بیشتر مردم از استاد اک تصویری اشتباه است، چون استاد اک، استاد اک است، نه استاد انسان‌ها و شبداها... شمس می‌گوید: «یک استاد خود را استاد کسی نمی‌داند». این تعریف کاملی از استاد اک بودن است. یک استاد اک اهمیتی نمی‌دهد که چه کسی از او پیروی می‌کند، چه کسی پیروی نمی‌کند.

او به پشتش نگاه نمی‌کند که چند نفر از او پیروی می‌کنند. تصور شبدا از دیدن چشمان نورانی یک استاد کاملاً اشتباه است، به همین خاطر است استادان اک دوست دارند همیشه ناشناخته بمانند و در سکوت کار کنند. آنها همه جا هستند؛ در هالیوود، عربستان، ایران، اروپا، امریکا، آفریقا، قطب و تمامی مناطق جهان. عملکرد یک استاد اک نشان‌دادن راه است، اما او از تمکین شبدا نسبت به خودش بیزار است، چون شبدا در نهایت باید به تنهایی راهش را به سمت خدا ادامه دهد. حال به داستان می‌رسیم ....

فکر زنده‌ای که  
ماست





# در جستجوی استاد



روزی مردی از دنیا خسته شده بود، بنابراین در جستجوی استادی بود که او را تعلیم دهد. به نزد استاد اول رفت، دید تعدادی اطراف او هستند. دماغ استاد دراز بود، بنابراین گفت: «کسی که دماغ درازی دارد نمی‌تواند استاد من باشد». او به نزد دومین استاد رفت. دید او شکم بزرگی دارد، بنابراین گفت: «معلوم است او بسیار پرخوری می‌کند. او نیز نمی‌تواند استاد من باشد».

به نزد استاد سومی رفت. او بسیار خوش تیپ و جنتلمن بود. جوینده‌ی داستان ما گفت: «نه، این هم نمی‌تواند استاد من باشد، چون یک استاد به نظر من باید ساده باشد».



او ده‌ها استاد را ملاقات کرد، اما هیچ‌کدام را نپسندید. او از جستجوی داشتن یک استاد خسته شد، بنابراین از خدا تقاضا کرد استادی برای او بیابد. چند ماه گذشت، اما خبری نشد.



در یکی از روزها که در منزل بود، فهمید همسایه‌ی جدیدی به محله‌ی آنها اسباب‌کشی کرده است. او به رسم همسایگی به همسایه‌ی جدید خوش‌آمد گفت. همسایه‌ی جدید مردی بلند قد با چشمان پرنفوذی بود. کم‌کم با او دوست شد. یک روز به او گفت: «سال‌هاست در جستجوی یک استاد معنوی هستم، اما تا کنون او را نیافته‌ام. همسایه گفت: «پس خودت استاد شو».

فکر روزگار  
ماست





# در جستجوی استاد



جوینده‌ی داستان ما با این جواب شوکه شد و گفت: «چگونه می‌توانم استاد شوم در حالی که هیچ استادی مرا تعلیم نداده است؟». همسایه گفت: «در مورد جست‌وجویت در مورد یافتن یک استاد برای مردم صحبت کن که چه دلیلی داشت هیچ‌کدام از آنها را انتخاب نکردی. این یک تجربه‌ی خوب برای تو و مردم خواهد بود. اگر نمی‌توانی صحبت کنی کتابی درباره‌ی آن بنویس.»



زمانی که مردم داستانت را بشنوند، واکنش نشان می‌دهند. تو می‌توانی به واکنش‌ها و سؤالات آنان پاسخ دهی. به این صورت تو استاد خواهی شد.» جوینده داستان از همسایه پرسید: «آیا تو استادی داشته‌ای؟». همسایه گفت: «من یک آهن‌گرم. استاد معنوی ندارم، اما در آهن‌گری، معنویتم را یافتم.»

جوینده پرسید: «چگونه؟»

همسایه گفت: «ما مانند آهن از درون بسیار سخت و انعطاف‌ناپذیریم، اما اگر بتوانیم با شرایط زندگی خود را وفق دهیم، درون ما توسط انرژی خلاقه ذوب خواهد شد. به این صورت انعطاف درونی ما باعث می‌شود چیزهای زیادی یاد بگیریم که هیچ استادی نمی‌تواند به ما یاد دهد، اما ما دوست داریم همه چیز را از دیگران بشنویم و بی‌پرسیم، اما چرا نمی‌خواهیم از درونمان بی‌پرسیم و بشنویم؟»

جوینده‌ی داستان ما گیج شده بود. چند ماه بعد همسایه بدون خبر از محله‌ی آنها رفت.



فهرست مطالب  
ما





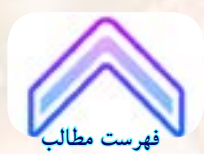
# در جستجوی استاد



سال‌ها گذشت، اما جوینده‌ی داستان ما همچنان به دنبال یک استاد بود. او پیر شد. یک روز گفت: «من که عمری برایم باقی نمانده است، بگذار کتابی بنویسم و تجربیاتم را در اختیار دیگران بگذارم.»  
او کتابی نوشت به نام در جستجوی استاد.  
کتاب او منتشر شد. هزاران نفر با او ارتباط گرفتند و تقاضا کردند او استاد آنها شود. دگرذیسی عمیقی در درون او ایجاد شد و به مخاطبینش گفت: «من استاد نیستم، فقط یک کتاب نوشتم. او راز استاد حقیقی شدن را یافته بود و می‌دانست بسیاری که خود را استاد می‌دانند، واقعی نیستند. صرفاً به این خاطر که دیگران آنها را استاد می‌دانند، مدعی استادی هستند. او مسیر صحیح استادی را یافته بود و خوشحال از این جهان منتقل شد.»

نوشته: استاد کاتب

فکر زنده ماندن  
با کاتب



صفحه ۶



# آگاهی انسانی

(بخش سوم)



حافظه سومین لایه از آگاهی انسانی می باشد. حافظه شامل خاطرات، عادات گذشته، یا آنچه قرار است در آینده اتفاق بیفتد، می شود. سومین وضعیتی که آگاهی انسان با آن ارتباط نزدیکی دارد، بخش حافظه است که مملو از خاطرات گذشته و آرزوهای آینده است. فعالیت این بخش نقش مهمی در چگونگی تأثیر بر روال بخش های عاطفی و منطقی را داراست. الگوهای عادات و چگونگی رفتار آدمی در زندگی، از این بخش فعال می گردد. از لحاظ عمومی بیشتر افراد طبق داده ها و خواسته های این بخش از وضعیت آگاهی، زندگی خود را به وجود می آورند.



این بخش دارای هشت وضعیت اصلی است:

- تأثیرات الگوهای مثبت و منفی شخصی، خاطرات گذشته و آرزوهای آینده؛
- تأثیرات محیط و خانواده، اجتماع و جامعه؛
- تأثیر گرفتن از شخصیت های تاریخی؛
- تأثیرات جغرافیایی، طبیعت و تغییرات فصلی؛
- تأثیرات زمان گذشته، حال، آینده، عمر، آغاز، انتظار و پایان؛
- مکان، جابه جایی؛
- نفسانی؛
- وجدان.



فهرست مطالب



# آگاهی انسانی

(بخش سوم)



وضعیت‌های یاد شده در روال زندگی یک فرد نقش مهمی را ایفاء می‌کنند، به این صورت که تمامی فعالیت‌های ما شامل بر تصمیم‌گیری، انتخاب، عمل فردی، بستگی به چگونگی عملکرد داده‌های تأثیرات یاد شده دارد.

این هشت وضعیت یاد شده تشکیل‌دهنده‌ی یک شخص منحصر به فردی است که انحصار شخصیتی آن از بین رفته و دارای عدم توانایی شناخت شخصیت منحصر به فرد خویش است. اصولاً تمامی تأثیرات شناخته‌شده، فعالیت‌های متعارفی هستند که دارای توانایی بنیادینی در ساختار فردی یک شخص است.



کسی که مدام در مرحله‌ی معینی به سر می‌برد دارای عادات، رفتار و ویژگی‌های جسمی معینی است. به عنوان مثال کسی که در مرحله‌ی «خشم مزمن» باشد، تلاش می‌کند حرکت را متوقف کند یا جلوی آن را بگیرد. مثلاً مادری یا پدری که می‌خواهد جلوی کار فرزندش را بگیرد، به خشم متوسل می‌شود.



فلسفه زندگی  
با هم





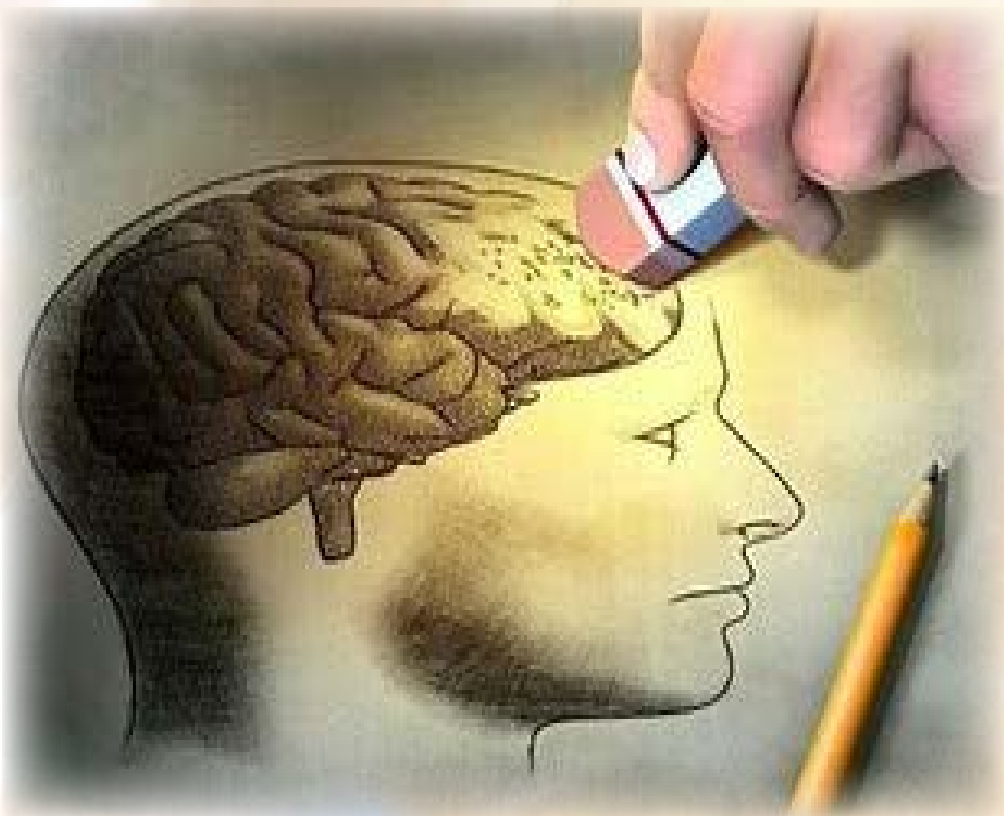


# آگاهی انسانی

(بخش سوم)



خاطرات، میدان‌های الکترومغناطیسی هستند که از گذشته در حافظه ما ذخیره شده‌اند. این یک روند حرکت نوری است که طبق وقایع زندگی، توده‌های انرژی وقایع به صورت مدارهای انرژی در ذهن ذخیره می‌شوند.



عواملی که در زندگی باعث رنجش ما می‌شوند اساساً از چند عامل ریشه‌ای نشات می‌گیرد:

اول: دیون زندگیهای گذشته ما؛  
دوم: عادات و الگوهای که از زندگیهای گذشته با خود حمل می‌کنیم؛  
سوم: نوع انتخاب‌های که در زندگی فعلی داریم.

گرایش‌های ما نسبت به هر موضوعی نشان دهنده میراث خاطرات و عادات گذشته‌ی ما در این زندگی است. برخی از آنان مفید و برخی مخرب هستند.

ادامه دارد...

فلسفه زندگی  
با هم می‌سازیم





# کبد چرب (بخش دوم)



توصیه‌ها و درمان کبد چرب در خانه:

در بسیاری از موارد، می‌توان روند بیماری را از طریق تغییر سبک زندگی و درمان خانگی کبد چرب معکوس کرد. این تغییرات ممکن است از آسیب کبدی و ایجاد زخم جلوگیری کند. چند قدم مهم برای درمان خانگی کبد چرب عبارتند از:

- از مصرف الکل اجتناب کنید. الکل می‌تواند باعث آسیب شدید به کبد شود.
- برای کاهش وزن اقدام کنید.
- مصرف کالری اضافه و چربی‌های اشباع‌شده و ترانس را کاهش دهید.
- انواع میوه‌ها، سبزیجات، حبوبات و غلات کامل را در سبد غذایی خود بگنجانید.
- مصرف کربوهیدرات‌های تصفیه‌شده مانند شیرینی‌جات، برنج سفید، نان سفید را کاهش دهید.
- روزانه حداقل ۳۰ دقیقه ورزش کنید.
- برخی شواهد نشان می‌دهند که مصرف مکمل‌های ویتامین E ممکن است به جلوگیری یا درمان آسیب کبدی ناشی از این بیماری کمک کند.
- مصرف داروهایی که باعث آسیب به کبد می‌شوند را محدود کنید.
- قبل از استفاده از یک مکمل یا داروی جدید با پزشک خود مشورت کنید.



کاهش وزن، تغذیه سالم، ورزش و عدم مصرف الکل در کنار مصرف دارو برای کنترل بیماری‌های زمینه‌ای مانند چربی خون یا دیابت بهترین راه برای درمان کبد چرب است.

فست‌فودها  
ناهنجارها





# کبد چرب (بخش دوم)



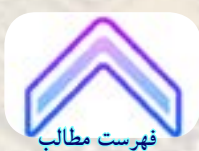
کبد چرب چگونه تشخیص داده می‌شود؟

تشخیص کبد چرب در خانه توسط خود فرد بسیار دشوار است و حتماً باید توسط آزمایش‌های مختلف بعد از تجویز پزشک انجام شود؛ با این حال بیماری کبد چرب علائمی شایع دارد که در افراد مختلف دیده می‌شود. با دانستن این علائم می‌توانیم با سرعت بیشتری بیماری را تشخیص دهیم و درمان آن را زودتر آغاز کنیم. علائم شایع کبد چرب شامل خستگی، بی‌حالی، افزایش شدت خواب و همچنین ضعف روزانه هستند. در صورت داشتن این علائم به پزشک مراجعه کنید. برای تشخیص این بیماری توسط پزشک اقدامات زیر انجام می‌شود:

- بررسی سوابق پزشکی: پزشک در مورد تاریخچه‌ی پزشکی، خانوادگی و سبک زندگی بیمار و علائم و نشانه‌های بیماری سؤال‌هایی می‌پرسد.
- معاینه فیزیکی: برای بررسی التهاب، پزشک ممکن است با لمس شکم، بزرگی کبد را احساس کند. در برخی موارد ممکن است کبد ملتهب شده، اما بزرگ نشده باشد در نتیجه با لمس شکمی قابل تشخیص نیست.
- آزمایش خون: بررسی عملکرد کبد با بررسی سطح پروتئین‌ها و آنزیم‌ها در کبد توسط آزمایش خون انجام می‌شود. اگر علائم مشکوکی دیده شود، برای تشخیص دقیق‌تر، تصویربرداری پیشنهاد می‌شود.
- بررسی تصویربرداری: ممکن است یک یا چند آزمایش تصویربرداری شامل سونوگرافی، سی‌تی‌اسکن، ام‌آر‌آی، فیبرواسکن، برای تشخیص کبد چرب توصیه شود.
- بیوپسی یا نمونه‌برداری از کبد: نمونه‌برداری از کبد بهترین روش برای تعیین شدت بیماری کبد است.

ادامه دارد...

فهرست مطالب





# آشنایی با دوره‌های حیات و ناسا (بخش دوم)



## فلز مس



این فلز تأثیرات زیادی را از دوره‌ی گارواتا (ماه مارس، ۱۱ اسفند تا ۱۱ فروردین) در خود دارد که ماه یشم سبز نام دارد و کیفیاتی از زمین مانند عشق، گرمی و غذای خوب را ابراز می‌کند. واژه‌ی گرم و سوزان، به خوبی بیانگر کیفیت گرمادهی فلز مس می‌باشد. دستبندهای مس همیشه به منظور دفع آرتروز و رماتیسم به کار گرفته شده که هر دو در اثر سرما تحریک می‌شوند. همچنین تمامی ناراحتی‌های عضلانی ناشی از سرما با مس درمان می‌شود. ارتعاشاتی که مس از خود ساطع می‌کند، خنثی‌کننده‌ی اثرات منفی حاصل کشش‌های عصبی، عضلانی است که به دلیل عدم تفاهم بین مردم به وجود می‌آید و باعث افسردگی روحیه می‌شود. خواص شادی‌بخش ظرف مسی در آشپزخانه به خانواده‌های بی‌شماری کمک کرده است تا کشش‌های عصبی و مشکلات فراوانی را در خانه کاهش دهند.

فهرست مطالب  
پانزدهم



فهرست مطالب



صفحه‌ی پایانی

صفحه ۱۲



# آشنایی با دوره‌های حیات و ناسا (بخش دوم)



## فلز طلا

فلز بعدی، طلا است. آتشین، خشک و سلطان فلزات است. البته همیشه فلز سلاطین و اُمراء هر سرزمینی بوده است و به همین علت هم معیار سلطنتی قلمداد می‌شود. این فلز درجه‌ی شگرفی از حرارت را در خود ذخیره دارد، مظهر و سمبل موفقیت در تمامی چیزهاست. این فلز حاکم بر دوره کامی‌توک، متولدین ماه یاقوت (ماه جولای، ۱۰ تیر تا ۹ مرداد)، است. فلز طلا با اشخاصی که جاه‌طلب، تاثیرگذار و اهل تجارت هستند، هماهنگ است. به نظر می‌آید همیشه این‌طور بوده است و همواره نیز خواهد بود. این فلز کسانی را به دام می‌اندازد که از شجاعت و جسارت کافی برخوردارند و حاضرند به خاطرش دزدی و قتل کنند و جنگ‌ها بپا دارند.



## فلز قلع

این فلز به نحوی با دوره‌ی هورتار، متولدین ماه مروارید (ماه نوامبر، ۱۰ آبان تا ۹ آذر)، سروکار دارد. این فلز سمبل نیکبختی است و نشانه پیشرفت و توسعه در ارتباط با طبقات روان می‌باشد. فلز قلع مرطوب و گرم است، بنابراین از خود نیرو ساطع می‌کند.



ادامه دارد...

فلسفه زندگی با ناسا





(بخش دوم)

# غیرارگانیک‌ها



در قسمت قبلی تعریفی از غیر ارگانیک‌ها داشتیم و بخشی از این موجودات را معرفی کردیم. در این بخش با معرفی نوعی دیگر از آنها مبحث را آغاز می‌کنیم.

اگر از جنبه‌ی دیگری به این موضوع نگاه کنیم، می‌بینیم که خیلی از افراد با وابستگی‌های بسیار شدیدی از این دنیا می‌روند؛ مثلاً شخصی به همسر یا فرزندانش بسیار وابسته است و پس از مرگ هم نمی‌تواند این وابستگی را رها کند، پس در زندگی آنها دخالت می‌کند. بعضی وقت‌ها از طریق تله‌پاتی نظریات خودش را به آنها القاء می‌کند که این هم نوعی دیگر از غیرارگانیک است.

مثلاً شما یک شخصی را در نظر بگیرید که وابستگی خاصی داشته و اکنون فوت شده است. حال او در کالبد اثری است، ولی سعی می‌کند احساساتش را دوباره انتقال بدهد و آن وابستگی را ادامه می‌دهد و این کار را با تله‌پاتی انجام می‌دهد. این کار حتی می‌تواند به افسردگی فرد زمینی بی‌انجامد.

نمونه‌های این افراد را همیشه در میان خانواده‌هایی که وابستگی عاطفی شدیدی به هم دارند و یکی از آنها به تازگی فوت شده است را می‌توان مشاهده کرد. بازماندگان این شخص اغلب از کار و زندگی اصلی خود باز می‌مانند و به فرد متوفی می‌اندیشند، یا اغلب دچار افسردگی یا بیماری‌های روانی می‌شوند و این اثرات این نوع غیر ارگانیک‌ها می‌باشد.

فکر روزگار  
با حمت نام



صفحه ۱۴



# غیر ارگانیک‌ها

(بخش دوم)



شاید نیت این اشخاص متوفی بد نباشد و نوع مثبت غیر ارگانیک‌ها به حساب بیایند، ولی در هر حال دخالت آنها در زندگی افرادی که هنوز کالبد فیزیکی دارند، می‌تواند مضر باشد.

مثلاً این غیر ارگانیک‌ها توانایی این را دارند که یک شخص را صدا کنند، ولی کسی نمی‌تواند آنها را ببیند و این باعث ترس و وحشت انسان‌ها می‌شود. خیلی از این غیر ارگانیک‌ها فقط می‌آیند و با انسان‌ها شوخی می‌کنند و مردم را اذیت می‌کنند، یا مزاحمت ایجاد می‌کنند و انسان‌ها آنها را نمی‌بینند، چون آنها در کالبد اثری هستند ولی می‌توانند صدای آنها را بشنوند.



خب، اینها چه کسانی هستند؟ با ما فرقی دارند؟

اینها انسان‌هایی بودند که مرده‌اند و یک فرصت به دست آوردند، یا برای تأمین خواسته‌هایشان، یا برای سر به سر گذاشتن کسانی که مثلاً در زندگی‌شان بودند و آنها را اذیت کرده‌اند، یا با هم خرده حسابی داشتند، یا همین آدم‌های مردم آزاری که در این زندگی زمینی هم از اذیت و آزار دیگران لذت می‌برند، اینها پس از مرگ می‌شوند جن، غیر ارگانیک، انتی‌تی یا اسامی مختلفی که در زبان‌ها، ملیت‌ها و آیین‌های مختلف بر آنان گذاشته شده است.

فهرست مطالب  
ما



صفحه ۱۵



# غیرارگانیک‌ها

(بخش دوم)



پس وقتی که از این دیدگاه نگاه کنیم، صورت منطقی پیدا می‌کند و دیگر ترس و واهمه‌ای نمی‌ماند. ولی این ترس یا عدم شناخت باعث می‌شود که انسان‌ها به سراغ کسانی بروند که خود را مدیوم می‌خوانند. مدیوم‌ها ادعا می‌کنند که می‌توانند با این غیرارگانیک‌ها ارتباط بگیرند.

همین دار و دسته‌ی فالگیر، جن‌گیر و مدیوم با انواع و اقسام دغل‌بازی به نام احضار روح، فال‌گیری، جن‌گیری، دفع ارواح خبیثه و ... از مردم اخاذی و کلاهبرداری می‌کنند.



مثلاً خیلی از ما شاید پیش فال‌گیر رفته باشیم و آنها بعضی از حقایق زندگی ما را بیان کرده‌اند و ما تعجب کرده‌ایم که آنها چگونه از این موضوعات اطلاع پیدا کرده‌اند. همان نزدیکان خود ما بوده‌اند که مرده‌اند و در قالب یک غیرارگانیک اسرار ما را به اینها گفته‌اند و این فال‌گیر و رمال است که اعتبار پیدا می‌کند. این افراد ادعا می‌کنند که راه‌هایی برای ارتباط گرفتن با عزیزان از دست رفته‌ی ما وجود دارد. خیر، چون احتمال زیادی وجود دارد که آن شخصی که به هر شکلی خود را نشان می‌دهد و ادعا می‌کند که عزیز از دست رفته هست، یک غیرارگانیک باشد که فقط برای تفریح و شوخی خودش را به شکل او در آورده است و می‌تواند به ما آسیب بزند.

فکر زودگذر  
بماند



صفحه ۱۶





# غیر ارگانیک‌ها

(بخش دوم)



این مسئله فقط باعث این شده است که یک عده پولی به جیب بزنند و آسیب‌های اجتماعی وارد کنند. از این موارد زیاد هست. در مذاهب هم هست. روحانی‌های ادیان مختلف از جمله یهودی، اسلام و مسیحیت نیز این مسائل را ترویج داده‌اند و خود را راه حلی برای عبور از آن معرفی می‌کنند. مسحیت که پا را فراتر نهاده و فیلم‌های بسیاری در این زمینه ساخته و آن را بزرگ کرده و به وضوح کلیسا را راه حلی برای خلاصی از شر این شیاطین، ارواح، خون‌آشام‌ها، گرگینه‌ها و ... معرفی کرده است.



برای رهایی از این مسئله که این قدر بزرگ شده است فقط داشتن دانش و آگاهی در مورد آنها کافی است، نیازی نیست کسی شما را کمک کند یا از شما محافظت کند. این روش‌ها سعی بر آن دارد که مردم را نیازمند آن شخصی کند که برای این مسئله به آنها کمک می‌کند. در حالی که راه حل جن، غیر ارگانیک یا همان ان‌تی‌تی، فقط نادیده گرفتن آنها است.

شما وقتی که با این پدیده‌های روانی روبه‌رو می‌شوید، فقط به آنها توجه نکنید، آنها اصلاً نمی‌توانند وارد زندگی شما بشوند، خیلی ساده و راحت.

فکر بزرگوار  
ما هستیم





# غیرارگانیک‌ها

(بخش دوم)



برعکسش مکاتبی مثل عرفان حلقه از روز اول از این مسئله صحبت می‌کنند و آن را مهم جلوه می‌دهند و اگر شخص تازه وارد حتی اعتقاد یا توجهی به این غیرارگانیک‌ها نداشته باشد، با مطرح کردن آن راه ورود این موجودات را به زندگی تعلیم‌گیرنده‌ی خود باز می‌کنند و وقتی توجه شخص به این مسائل جلب شود، این موجودات هم راه خود را به راحتی باز می‌کنند.

بعد می‌خواهند با شعبده‌بازی‌هایی مثل تشعشع دفاعی و ... این موجودات را دفع کنند، در صورتی که خود آنها بوده‌اند که راه ورود آنها را باز کرده‌اند. مذاهب هم همین‌طور، اول این بحث‌ها را در موعظه‌ها و منبرها بیان می‌کنند و بعد از آن خود همین روحانیون می‌آیند و از آن دامی که پهن کرده‌اند، قربانیان خود را صید می‌کنند و هزاران دعا و آیه ... می‌نویسند و به نام دین و پیغمبر به مردم می‌فروشند.

اندریشه  
عصر  
آبان ۱۳۹۴

محمدعلی طاهری  
مؤسس فرقه عرفان حلقه

## اجنه به ما حمله می‌کنند



تشعشع دفاعی (درمانگری)

اینها فقط دکان است. از روزی که اولین ادیان قبیله‌ای پا به این کره خاکی گذاشتند، این کاسبی هم برای این قشر ایجاد شد. در تعالیم اک به حدی راحت می‌شود این موضوع را حل کرد که نیاز به هیچ چیزی ندارد. حتی نیاز نیست شما پیرو یا واصل اک بشوید، فقط کافی است به این موجودات فکر نکنید و از آنها سلب توجه کنید. البته برای واصلین این مسئله فرق دارد و آنها اصلاً جرأت نمی‌کنند نزدیک یک واصل اک بشوند. بدلیل محافظتی که از جانب اک برخوردارند.

پایه

فکر کنید که اینها  
ما هستند



صفحه ۱۸



## دهایی از قرص احتیادآور



شبدا تازه با اک آشنا شده بود و اشتیاق و ولع زیادی برای خواندن کتابها و کسب شناخت و آگاهی داشت، با کوله‌باری از مشکلات و گرفتاری‌ها و کارمایی که به دوش می‌کشید. جهت انجام کاری به اجبار به سفری طولانی رفت. از آنجایی که می‌دانست سفرش کمتر از یک ماه طول نمی‌کشد، به اندازه‌ی کافی لباس و لوازم ضروری و قرص خواب‌آور برداشته بود. او سالها قرص استفاده می‌کرد و بدون قرص نمی‌توانست لحظه‌ای بخوابد.

از قضا مسافرت بیشتر از یک ماه طول کشید و قرص خواب رو به اتمام بود. او برای تهیه‌ی قرص به داروخانه رفت؛ اما هیچ داروخانه‌ای بدون نسخه، قرص خواب‌آور را در اختیار مشتری ناشناس قرار نمی‌داد؛ زیرا که هر داروی خواب‌آور شیمیایی، مضرات و معایب و عوارض فراوانی دارد.



شبدا ناراحت و عصبانی به خانه برگشت. از وابستگی به قرص به ستوه آمده بود؛ چرا که تأثیرات آنها را علناً روی حافظه و جسم و روان خود دیده بود. هر شب کابوس می‌دید. ضمناً صبح‌ها نیز دیر و به سختی بیدار می‌شد؛ به همین جهت با وجود تحصیلات و مهارت‌هایی که داشت نمی‌توانست شغلی را انتخاب کند.

فصل اول  
تجربه شبدا





## دهایی از قرص اعتیاد آور



تصمیم گرفت به استاد درون نامه‌ای بنویسد و از وی کمک بخواهد. از همان لحظه مشکل خود را به استاد درون سپرد و تنها قرص باقی مانده را نصف کرد. با خود گفت: نهایتاً یک یا دو هفته نمی‌خوابم؛ اما بعد از آن از اعتیاد به داروی خواب‌آور نجات پیدا می‌کنم.

شب، نصف قرص را خورد و به رختخواب رفت. چشم‌هایش را بست و دوباره از استاد درون کمک خواست.

صبح با ناباوری از خواب بیدار شد. چگونه ممکن بود با نصف قرص، به راحتی شب‌های قبل خوابیده باشد؟!؟!!

شب بعد یک چهارم قرص استفاده کرد و شب بعدتر یک هشتم و باز هم خیلی راحت و سریع به خواب رفت؛

تا اینکه قرص تمام شد.



شبدا دوباره به استاد درون نامه نوشت و بابت کمک و معجزه‌ی او تشکر کرد و باز هم خواست که استاد درون به او کمک کند تا از این به بعد بدون قرص بخوابد. شبدا، هم آن شب و هم تمام شب‌های دیگر را راحت خوابید و پس از آن معجزات و شگفتی‌های زیادی را با کنار گذاشتن قرص‌های مضر خواب‌آور، در زندگی خود دید. مشکلات حافظه‌اش برطرف شد و دیگر کابوس ندید. او چند سال است که شب‌ها زود و راحت می‌خوابد و صبح‌ها قبل از طلوع آفتاب بیدار می‌شود تا به سر کار برود.

فهرست مطالب  
ما



فهرست مطالب



صفحه‌ی پایانی

صفحه ۲۰

## به نام بنی

نشریه‌ی هامسا ماهنامه‌ی فرزندانِ اِک متعلق به بنیاد بنی فرزندانِ اِک می‌باشد. این موسسه در کالیفرنیا آمریکا و چند کشور دیگر به صورت رسمی ثبت شده و دارای مجوز فعالیت می‌باشد. تمامی حقوق معنوی و مادی آثار فرزندانِ اِک اعم از کتاب‌های تالیف و ترجمه شده از جمله کتاب‌های نوشته شده توسط بنیانگذار موسسه، مقالات، سخنرانی‌ها، کارگاه‌ها و ست‌سنگ‌های نوشته شده، متعلق به اِک (بنی) و بنیاد بنی فرزندانِ اِک و متعلق به فرزندانِ اِک است. بنابراین هر نوع استفاده از این آثار بدون هماهنگی با تیم مدیریت بنیاد بنی، تخلف معنوی محسوب شده و پیگیری خواهد شد.

مطالب این شماره‌ی نشریه برگرفته شده از مقاله‌ها و ست‌سنگ‌های واصلین برتر، مهدیس‌ها و آرا‌هات‌های مجموعه‌ی بنیاد بنی، تجارب فرزندانِ اِک، کتاب‌های اِک، سایت‌های ویکی پدیا و سایت‌های علمی می‌باشد که توسط تیم نشریه جمع‌آوری و ویرایش شده است. برخی از مقاله‌ها و مطالب نیز بر مبنای تحقیقات و دریافت‌های فرزندانِ اِک تهیه و تالیف شده است، همچنین بعضی از تصاویر استفاده شده در مقالات توسط فرزندانِ اِک طراحی و ترسیم شده است.

چنانچه شعر، مقاله و یا مطلبی مرتبط با تعالیمِ اِک و یا مطالب نشریه، توسط شما تهیه شده است و مایل به انتشار آن در نشریه هستید، یا مایلید تجارب معنوی شما هم در شماره‌های بعدی نشر گردد، آثار و تجارب ارزشمند خود را به کاربری روابط عمومی در پیام رسان تلگرام ارسال بفرمایید. همچنین می‌توانید نظرات و انتقادات خود را با ما از طریق کاربری روابط عمومی یا ایمیل موسسه در میان بگذارید.

برای آشنایی بیشتر با تعالیم بنی (اِک)، ما را در وبسایت و شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید.

وبسایت بنی ..... [www.Bani-foundation.com](http://www.Bani-foundation.com)

کانال یوتیوب فارسی بنیاد اِک ..... <https://www.youtube.com/.../>

روابط عمومی ..... [T.me/Bani\\_Pr](https://t.me/Bani_Pr)

ایمیل روابط عمومی ..... [Banifoundation.pr@gmail.com](mailto:Banifoundation.pr@gmail.com)

لینک کانال‌های مجموعه ..... <https://linktr.ee/banifoundation>

برکت باشد

